



اصلی‌ترین رکن آداب نماز «حضور» است

در عبارت قرآنی «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»، ذکر در لغت به معنای «یاد» است، اما در روایات و تفاسیر به معنای «حضور» آمده است؛ نتیجه این حضور آرامش است و نماز کسی که منجر به آرامش وی نشود نماز نیست، بلکه تنها در مسیر اقامه نماز است.

اصلی‌ترین رکن آداب نماز «حضور» است/ تشریح معنای «ذکر» الهی در قرآن در عبارت قرآنی «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»، ذکر در لغت به معنای «یاد» است، اما در روایات و تفاسیر به معنای «حضور» آمده است؛ نتیجه این حضور آرامش است و نماز کسی که منجر به آرامش وی نشود نماز نیست، بلکه تنها در مسیر اقامه نماز است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه، به بیان سخنانی درباره نقش حضور خدا در آرامش انسان پرداخت و اظهار کرد: از آیات زیبای قرآن کریم این آیه است که خداوند در آخرین نامه‌اش برای هدایت بشر فرمود: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه/14)؛ از این آیه چندین نکته به دست می‌آید: نکته اول آن که خداوند فرمود: «اقم الصلوة»؛ با کنکاش در آیات قرآنی درمی‌یابیم که کمتر آیه‌ای مستقیماً امر به «صلوة» کرده و برای مثال «صل» یا «صلوا» گفته است و آیات ناظر به «صلوة» معمولاً با واژه «اقامه» همراه شده و به صورت مفرد یا جمع («اقم الصلوة» یا «اقیموا الصلوة») آمده است.

وی افزود: علت این مطلب آن است که نزد خداوند، میان نماز خواندن و اقامه نماز کردن تفاوت وجود دارد. فرق میان این دو در تفاسیر و روایات متعدد ذکر شده است که فعلاً متعرض این مطلب نمی‌شویم و به ذکر همین نکته اکتفا می‌کنیم که فرق این دو در آداب نماز است. نماز را آدابی باطنی و ظاهری است و در تفاسیر و روایات این نکته را بیان کرده‌اند؛ اگر نماز با آدابش ارائه و انجام شود، مصداق «اقامه صلوة» محقق شده است.

فعالی با اشاره به این‌که از جمله آداب عمده یا اصلی‌ترین آداب نماز «حضور» است، اضافه کرد: به «حضور» در ادامه این آیه (طه/14) اشاره شده است. نتیجه اقامه صلوة «ذکر» است؛ «لام» در عبارت «لِذِكْرِي» لام غایت است و این نتیجه به دست می‌آید که اقامه نماز برای حصول ذکر است، آن هم نه هر ذکر، بلکه «ذکر من». ذکر به معنای «یاد» است، اما در روایات و تفاسیر اصل ذکر به معنای «حضور» است، همان که از ارکان اصلی آداب اقامه صلوة بیان شده است.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به این‌که هر که نماز را با حس حضور و با احساس حضور خدا انجام دهد، غرض از نماز حاصل آمده و اقامه صلوة شده است و در غیر این صورت این امر محقق نشده است، افزود: بنابراین، اقامه نماز به معنای نماز با ذکر است و نماز با ذکر به معنای اقامه صلوة است. زیباترین نکته‌ای که در این آیه در کتاب خداوند آمده، این است که نماز برای حضور است و بهتر است که بگوییم: «نماز یعنی حضور».

وی عنوان کرد: نماز به معنای گفت‌وگوی مخلوق با خالق، راز و نیاز با او، بودن در کنار او و داشتن احساس حضور اوست. اصلاً گفت‌وگو به معنای حضور است و گفت‌وگوی بی‌حضور معنا ندارد و اگر معنایی نیز داشته باشد، مصداق اتم بی‌ادبی است و بر اساس پاره‌ای از آیات و روایات، خداوند حق در عالم، از هر چه بگذرد، از بی‌ادبی با خودش هرگز نخواهد گذشت؛ ادب مقوله بسیار مهمی است و در آیات قرآن نیز متعدد بدان اشاره شده است.

فعالی تصریح کرد: نماز گفت‌وگو با خداست و این گفت‌وگو یعنی حضور و این حضور یعنی «لِذِكْرِي». با اندکی درنگ از این آیه به دست می‌آید که نماز برای ذکر است و ذکر به معنای یاد خداوند و احساس حضور اوست. نماز را برای آن گذاشته‌اند که انسان‌ها در شبانه‌روز به یاد خداوند باشند و گاهی احساس حضور او را گاهی در زندگی داشته باشند؛ باشد و شاید که این احساس حضور استمرار یابد و اساساً زندگی انسان حضور خداوند شود.

این استاد حوزه و دانشگاه در تشریح این مطلب گفت: در این صورت آن فرمایش امام راحل (ره) محقق می‌شود که فرمود: زندگی و دنیا و هستی یعنی محضر خدا؛ و محضر زمانی محقق می‌شود که در وجود انسان، حس حضور باشد؛ یعنی خداوند را حاضر ببیند.

آرامش مراتب مختلفی دارد و از درون انسان گرفته تا یک خانه، یک اجتماع، یک شهر، یک ملت، یک کشور، یا روی کره زمین یا کل جهان هستی را شامل می‌شود و در تمام سطوح آرامش، آرامش فقط از طریق ارتباط با خالق آرامش حاصل می‌شود؛ همچنان که

وی ادامه داد: آیه دیگری مکمل این آیه است و فرمول ساده‌ای که از آن استنباط می‌شود، آن است که نماز برای ذکر و حضور است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/28)؛ مطابق این آیه کسانی که اهل ایمانند، در درون آنان خصیصه‌ای به نام اطمینان یا طمأنینه محقق می‌شود که دقیق‌ترین معادل آن به زبان فارسی، آرامش و معادل‌های دیگر قرآنی آن سکونت یا قرار است.

این محقق و پژوهشگر خاطرنشان کرد: در باب این آیه مطالب و سخنان بسیاری می‌توان گفت؛ بنده اخیراً مجموعه کتاب‌هایی با عنوان «سبک زندگی توحیدی» در شرح و بسط ابعاد مختلف این آیه نوشته‌ام که نخستین جلد آن با عنوان «آرامش» در حدود 400 صفحه به زودی منتشر خواهد شد. یک معادله ساده از این آیه به دست می‌آید و آن این است که نتیجه ذکر، آرامش است.

وی عنوان کرد: اگر این نکته را به نکته قبلی (نتیجه نماز یاد خداست) اضافه کنیم، این نتیجه به دست می‌آید که نماز راهکاری برای نیل به آرامش است. نماز بی‌حضور و نمازی که برای انسان آرامش ایجاد نکند، اساساً نماز نیست. قرائت معکوس این مطلب آن است که هرکس درونش سرشار از استرس‌ها و اضطراب‌هاست، این مطلب نشان می‌دهد که نماز او نماز نیست، بلکه تنها در مسیر اقامه نماز است.

فعالی اضافه کرد: حاصل آن که اقامه نماز به انسان حس حضور خدا می‌دهد و آنگاه که در درون انسان این حس حضور پدید آید، به دنبال آن قطعاً روح و وجود انسان از خالق آرامش، آرامش دریافت خواهد کرد. اما اصل مهم و کلی که از این فرازا دریافت می‌شود، آن است که روح این دو آیه و مخصوصاً آیه دوم که در آنها واژه آرامش، سکونت و اطمینان به کار رفته، این است که هر جا آرامش است، آنجا خدا حاضر است و هرگاه خدا در محیطی حضور یابد و عنایتی خاص بدان محیط داشته باشد، یکی از پیامدها و آثار مهم این امر، کاستن از تنش‌ها و استرس‌ها و افزایش آرامش و سکونت و قرار و طمأنینه است.

وی اظهار کرد: هر جا خداست، آنجا آرامش است و هر جا آرامش است، آنجا حضور خدا بسی متجلی و جلوه‌گر است و البته این جمله مراتبی دارد. درون ما آدمیان سرشار از تنش‌ها، استرس‌ها و تعارضات درونی و باطنی است و به میزانی که در درون انسان آرامش و قرار و سکونت باشد و به میزانی که انسان از آرامش باطنی به معنای واقعی آن برخوردار باشد، آن حس حضور خدا وجود دارد. به میزانی که درون انسان آرام باشد، آنجا احساس حضور خدا محقق است.

این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به این نکته که مهم‌ترین مفهوم ارزشی قرآن ایمان است و ایمان مادر فضیلت‌ها و بنیاد و اساس تمام ارزش‌هاست، افزود: ایمان از واژه «امن» گرفته شده و یکی از واژه‌هایی که مفید معنای آرامش است، دقیقاً معنای امن است؛ اطمینان، سکونت و امنیت هم‌معنا و مترادف هستند؛ بنابراین مؤمن به معنای فرد آرام، صاحب آرامش درونی و اهل صلح (و نه اهل تنش) است.

وی ادامه داد: پس اولاً به میزانی که درون انسان آرام است، آنجا حس حضور هست و بالعکس؛ و دیگر آن که به میزانی که در یک خانه آرامش برقرار است، آن خانه، خانه دینی و آن خانواده، خانواده الهی است و سبک زندگی در آن خانه مبتنی بر آموزه‌های الهی شکل گرفته است.

هر که نماز را با حس حضور و با احساس حضور خدا انجام دهد، غرض از نماز حاصل آمده و اقامه صلوة شده است و در غیر این صورت این امر محقق نشده است؛ بنابراین، اقامه نماز به معنای نماز با ذکر است و نماز با ذکر به معنای اقامه صلوة است. ... نماز برای حضور است و بهتر است که بگوییم: «نماز یعنی حضور»

این محقق و پژوهشگر خاطرنشان کرد: پس به میزانی که درون انسان آرام است، آنجا حس حضور است و به میزانی که در یک خانه‌ای و یا خانواده‌ای (مثلاً یک جمعیت چهار نفره) تنش‌ها کاسته شود و بر آرامش‌ها افزوده شود، آنجا احساس حضور خدا بیشتر است. همچنین در یک شهری که تنش‌ها کم است و آرامش‌ها فزونی یابد، در آنجا احساس حضور خدا بیشتر است و در یک کشوری که تنش‌ها کاسته شود، آنجا احساس حضور خدا بیشتر است و آن زمان جهان آرام می‌گیرد که حضور خدا به دعوت آدمیان در آن زمین و آن زمان افزایش یابد.

فعالی اضافه کرد: آرامش مراتب مختلفی دارد و از درون انسان گرفته تا یک خانه، یک اجتماع، یک شهر، یک ملت، یک کشور، یا روی کره زمین یا کل جهان هستی را شامل می‌شود و در تمام سطوح آرامش، آرامش فقط از طریق ارتباط با خالق آرامش حاصل می‌شود؛ همچنان که فرمود: «بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». تنها راه حصول آرامش درونی و سکونت باطنی (چه برای یک فرد و چه برای

يك جهان) فقط از طريق ارتباط با خالق هستی، خالق انسان و خالق احساسات انسان محقق می‌شود.

وی اظهار کرد: هر کس در درون زندگی خود مشکلاتی دارد که این مشکلات از دو حالت بیرون نیست: یا قابل حل است و یا قابل حل نیست؛ اگر مشکلات قابل حل است، پس آن را حل کنید، چرا نگرانید و دغدغه و استرس و تنش دارید! اما اگر آن مشکلات قابل حل نبود، باز قابل حل نیست و جای نگرانی ندارد. اگر مشکل قابل حل است، چرا نگرانید و اگر قابل حل نیست، چرا نگرانید و اصولاً چرا نگرانید!

این استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: کسی که خدا دارد، در این حیات دوروزه دنیا نگرانی و اضطراب و تنش و ناآرامی برای او معنا ندارد. بودن با خدا به معنای بودن با احساسات لطیف و لذت‌بخش و آرام‌بخش درونی است و در رأس آنها سه حس است که نخستین آنها آرامش است و آن دو حس دیگر را در زمان و مجال دیگر بیان خواهم کرد. بنابراین کسی که با خداست و خدا دارد، مادامی که نفس می‌کشد، یعنی خدا با اوست و به او مهلت زیستن در همین دو روزه گذرای دنیا داده است.

وی تصریح کرد: نگرانی معنا ندارد و اگر شما اندکی بیندیشید، در نهایت دقیقاً به این موضوع خواهید رسید. جای آن است که دیگر بار این موضوع را تکرار کنم: اگر مشکلات قابل حل است، آنها را حل کنید، چرا نگرانید و اگر هم قابل حل نیست، از آن بگذرید، چرا نگرانید و اصولاً و کلاً چرا نگرانید؟! سرّ آن هم این است که انسان خدا دارد و اگر ما معنای خدا داشتن و با خدا بودن و تنفس کردن در مملکت خدا را به درستی بفهمیم، همین تصور به يك باره درون ما را به لطاف و آرامش و زیبایی خواهد رساند.